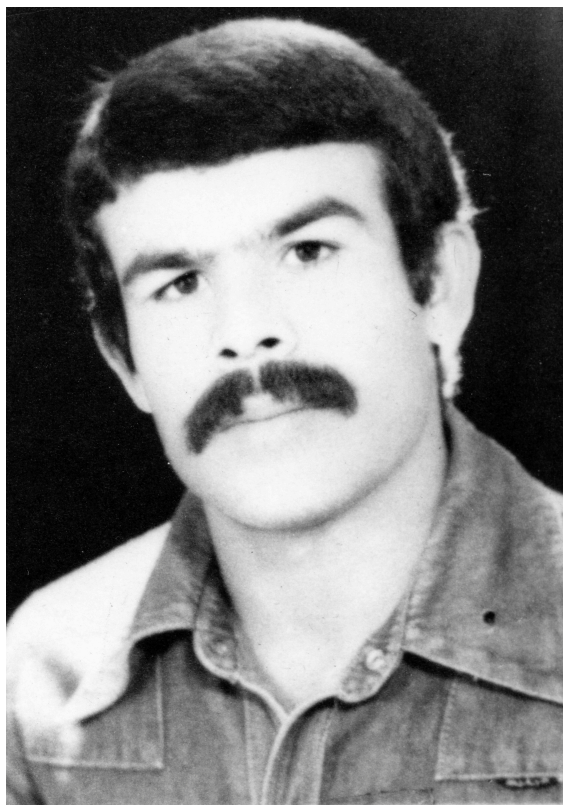


## شهید علی مراد حاجیان



  
**از بستان علی**  
سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

|             |                     |
|-------------|---------------------|
| نام پدر     | عبدالله             |
| تاریخ تولد  | ۱۳۳۸/۰۳/۰۱          |
| محل تولد    | بوشهر - دشتستان     |
| تاریخ شهادت | ۱۳۵۹/۱۱/۱۷          |
| محل شهادت   | سنندج               |
| مسئولیت     | رزمنده              |
| نوع عضویت   | سرباز نیروی انتظامی |
| شغل         | —                   |
| تحصیلات     | دیپلم               |
| مدفن        | عیسوند              |

## زندگینامه

### زندگینامه شهید

شهید علاقه داشت به مدرسه برود و قبل از این که به سن مدرسه برسد در ۵ سالگی یک بار به همراه برادرش به مدرسه رفته و پشت پنجره کلاس نشسته و گوش به حرف معلم می دهد. در روستا آن زمان امکانات وجود نداشت، که آموزش داده شود فقط یک آخوندی بود که در روستا کلاس قرآن می گذاشت که شهید به آنجا می رفت و قرآن را می آموخت.

### خصوصیات اخلاقی شهید:

شهید دارای شخصیتی غیر قابل وصف بود. ایشان دارای روحیه ایثار و از خود گذشتگی بسیار بود. بسیار متواضع و فروتن، دیندار و اهل ایمان بود. شهید از نظر اخلاق بسیار با محبت و دلسوز مردم بود. آنچنان صمیمیتی بین اعضای خانواده داشت که تمام اعضای خانواده در کنار او می نشستند. شهید در ساده زیستن و کم توقعی معروف بود. چون با چشم خود مشکلات و زحمات زیادی را دیده بود. ایشان دوستدار همه بود. بسیار کوچک نفس و متواضع بود.

## وصیت نامه

به نام خدا صحبت های خود را شروع می کنم باشد که خدا توفیق اتمامش را به من عطا نماید در لحظاتی شروع به نوشتن می کنم در یک صبح سرد تا چند لحظه دیگر می خواهیم حرکت کنیم. به یاد این افتادم که چند کلمه را بنویسم که بگویم که ما رفتیم تا به شهادت برسیم. در اوایل عرایض به کلیه برادران عزیز حزب الله سفارش می کنم جبهه ها را خالی نگذارید، زندگی می گذرد. چه در راحتی و چه در سختی. چه در خوشی و چه در ناراحتی. تنها چیزی که برای انسان باقی می ماند عمل خود انسان است گرچه باید بگویم عمل من نتوانست مرا راضی کند چه رسد به رضایت خدا خدا را در همه لحاظ به خاطر داشته باشید و به او نزدیک شوید. دنیا را برای دنیا دوستان بگذارید نماینده گان امام گوش به حرف هیچ یک از مخالفان امام ندهید که آنان گمراهند. صحبت دیگری دارم با مسئولین و آنان که به وطن اسلامی خدمت می کنند. انشاالله که خداوند توفیق روز افزون به آنها عطا بفرماید از شما تقاضا دارم که جوانان حزب الله را در همه موارد یاری کنید. صحبتی با مسئولین که هنوز توفیق این را پیدا نکرده اند که خود را با انقلاب و مردم تطبیق دهند. بدانید که خداوند ناظر بر اعمال شماست. تک تک شهدا بر شما نظارت می کنند. از خدا بترسید که جلو خشم خدا را نمی توانید بگیرید. عزیزان حزب الله را خار در چشم و استخوان در گلو ندانید و به همه سفارش می کنم صبر پیشه کنید که بهترین سلاح است و از شما برادران می خواهم بعد از من راه شهیدان را ادامه دهید. به پدر و مادرم احترام بگذارید. بعد خدا را شکر می گویم که در این خط قرارم داد خدایا از درگاهت تقاضای بخشش میکنم که نتوانستم آن طور که خودت می خواستی بندگیت را کنم. در پایان از خداوند می خواهم که به تمامی خانواده شهیدان و همچنان به پدر و مادرم و برادرانم صبر عطا فرماید. بر رزمندگان درود بفرستد و منافقین را نابود کند. والسلام ۱۲/۷/۵۹

# خاطرات

## خاطرات شهید :

برادر زاده شهید تعریف می کند: که در فصل زمستان دور هم نشسته بودیم و شله خرمایی که روز قبل پخته بودند گذاشته بودند وسط، علی مراد طوری با نان شروع به خوردن نمود که همه فکر کردیم که شله خرمایی بسیار گرم است در حالی که این طور نبود و پدر شهید که شروع به خوردن نمود، احساس کرد که خیلی سرد است.



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران